

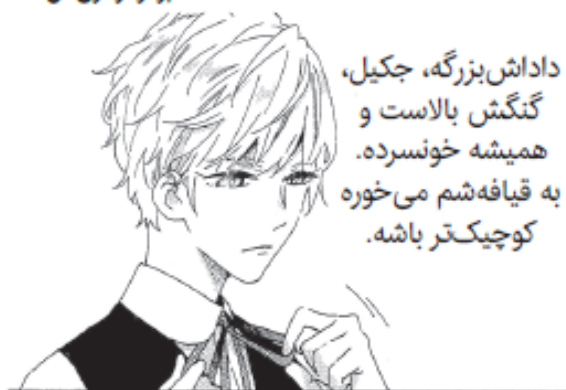
برادر دوقلوی من

یو موریکاوا

مترجم: فاطمه صادقی







داداش بزرگه، جکیل،
گنگش بالاست و
همیشه خونسرده.
به قیافه شم می خوره
کوچیکتر باشه.



برعکس،
داداش کوچیکه، هاید، از
اون شادوشنگول هاست
که به قیافه ش می خوره
بزرگتر باشه.



آخرین
تواناییم که
بهش افتخار
می کنم اینه
که...

ای ول، زدی
تو خال!

حتی
پدر و
مادرمونم
ما رو
با هم
اشتباه
می گیرن.

پسر، تو
چه جوری
هر بار
می تونی
ما رو از
هم درست
تشخیص
بدی؟



منم...

تنها کسی که
می تونه اونا رو از
روی شوخی هاشون
تشخیص بده...



تحقیقات ما درمورد
این موضوع ناقصه؟
شاید جان
استثناسه.

اگه به
روزی توونم
این دو تا
رو از هم
تشخیص
بدم، چی
می شه؟

غریزه.
من هر بار
از حس
شیشمم
کمک
می گیرم.

آره، این
سؤال منم
بود!

جان، بهم
بگو چه
ترفندی برای
تشخیص ما
از هم به کار
میبری؟







